

مبانی فقهی مسئولیت همگانی انسان در قبال محیط زیست با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای

مهدی عرفانیان*

چکیده

یکی از بحران‌هایی که بشر امروزه در معرض آن قرار دارد، بحران محیط زیست است؛ متأسفانه این مسأله کشورها را با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه ساخته است که از جمله می‌توان به آلودگی هوا، انقراض نسل حیوانات، تنش‌های آبی، قطع بی‌رویه جنگل‌ها و غیره اشاره کرد. به اذعان اندیشمندان این بحران ناشی از عدم احساس مسئولیت انسان در قبال طبیعت و محیط زیست است. خوشبختانه در اسلام جامع‌ترین، دقیق‌ترین و صحیح‌ترین شیوه تعامل با محیط زیست و حفاظت از آن بیان شده است و نگاه اسلام در این باره را می‌توان عاطفی، اخلاقی و معنوی و هدایتگرانه دانست. آیات قرآن کریم، سنت و سیره معصومین علیهم السلام، عقل، اجماع از مبانی مهمی هستند که فقها در بیان مسئولیت انسان‌ها در قبال محیط زیست و طبیعت سالم بدان اشاره کرده‌اند. علاوه بر این فقها برای اثبات مسئولیت انسان‌ها درباره حفاظت از محیط زیست به قواعد فقهی نیز استناد کرده‌اند که از جمله این قواعد می‌توان به قاعده لاضرر، مصلحت و اهم و مهم اشاره کرد. نگارنده مقاله در این مقاله در تلاش است مبانی فقهی مسئولیت همگانی انسان‌ها در قبال طبیعت و حفاظت از محیط زیست زیست سالم با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای تبیین نماید.

واژگان کلیدی

آیت الله خامنه‌ای، محیط زیست، مسئولیت، فساد فی الارض، فقه امامیه.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر ری)

طرح مسئله

امروزه بحران محیط زیست از جمله دغدغه مهم کشورها در سطح بین‌الملل است؛ تخریب بی‌رویه جنگل‌ها، شکار حیوانات، آلودگی محیط زیست از طریق زباله‌های خانگی و صنعتی، آلودگی هوا، سوراخ شدن لایه ازن به دلیل مصرف بی‌رویه گازهای گلخانه‌ای همه از مواردی است که نشان می‌دهد محیط زیست در معرض بحران و خطرات جدی قرار دارد. به اذعان دانشمندان یکی از علل و عوامل بحران‌های محیط زیستی، عوامل معنوی و اخلاقی است و اینکه انسان نسبت به طبیعت و محیط زیست، به مسئولیت خود عمل نکرده و به دست خود، باعث ضرر و زیان رساندن به محیط زیست، تخریب و نابودی آن شده است و راه‌حل نجات از این بحران را بازگشت به آموزه‌های ادیان بیان کرده‌اند.

مسلمانان اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین، در تمام جنبه‌ها و جوانب زندگی بشری، برنامه خاص خود را ارائه کرده و ریزترین جنبه‌های زندگی از دید بشر مخفی نمانده و تمام جوانب زندگی انسان را همراه با برنامه منظم و دقیق تبیین نموده است که از جمله این جوانب، تعامل صحیح انسان با طبیعت و محیط زیست است. در این باره آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان گردیده است. خداوند، جهان هستی و همه پدیده‌ها را زیبا، متقن و موزون آفریده و ما باید رابطه خود را با آنها تصحیح کنیم و با تصرفات نادرست خود، آن را ویران و آلوده و جامعه را با بلا و مصیبت مواجه نسازیم. نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جاندار و بی‌جان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخورداری از همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۴).

بنابراین باید گفت دین اسلام نسبت به مسئولیت انسان‌ها نسبت به طبیعت و محیط زیست بی تفاوت نبوده و جامع‌ترین، دقیق‌ترین و صحیح‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست را بیان نموده است که در این مقاله به مبانی فقهی مسئولیت انسان در قبال محیط زیست با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای خواهیم پرداخت.

مبانی فقهی مسئولیت انسان در قبال محیط زیست

ادله مختلف فقهی اعم از کتاب، سنت، عقل و اجماع حاکی از آن است که انسان‌ها در قبال طبیعت و محیط زیست مسئولیت دارند و آنان وظیفه دارند از این موهبت و نعمت الهی حفاظت و صیانت نمایند. در اینجا به این ادله با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری اشاره می‌شود:

۱. کتاب

در آیات متعدد قرآن کریم بر مسئولیت انسان در حفاظت از طبیعت و محیط زیست اشاره شده است؛ این آیات را می‌توان بدین گونه دسته‌بندی کرد:

۱-۱. آیاتی که محیط زیست را متعلق به همه بشر می‌داند

در آیات متعددی از قرآن کریم طبیعت و محیط زیست را برای همه بشر می‌داند. خداوند در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»؛ اوست خدایی که همه آنچه در زمین است، برای شما آفرید (بقره: ۲۹). در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ زمین را برای مردم قرار داد (رحمن: ۱۰). و در آیه مشابه دیگر آمده است: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»؛ خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن میوه‌ها را به عنوان روزی شما بیرون آورد (بقره: ۲۲). در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ»؛ برای شما آبی از آسمان فرستاد و به وسیله آن باغ‌هایی زیبا رویانیدیم (نمل: ۶۰). نحوه استدلال به این آیات در مسئولیت انسان در قبال طبیعت و محیط زیست بدین گونه است که تعبیر «لام» (در «لکم» و «للانام») افاده اختصاص و انتفاع می‌کند و به بشر

حق می‌دهد از زمین و مافیها استفاده کند. لذا فقها اصاله الاباحه را از این آیه استنباط کرده‌اند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۹۸). همچنین ضمیر «کم» و واژه «انام» در این دسته از آیات ناظر به همه بشر است و اختصاص به بشر در دوره خاصی ندارد و همه نسل‌های بشر در حال و آینده را شامل شده و حقی همگانی محسوب می‌شود. از این رو بر اساس آیات شریفه انسان حق دارد از زمین استفاده مشروع و هر استفاده‌ای که هدف‌های طبیعت و فطرت هماهنگی دارد، انجام دهد ولی حق ندارد آن معدوم کند و از بین ببرد و یا آن را به مصرف نامشروع برساند و هرگونه اسراف و تبذیر و استفاده نامشروع ممنوع است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «یک جا قرآن می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» [لِلْأَنَامِ] زمین را - یعنی این کره ارضی را- را برای انسان‌ها ما آفریدیم؛ مال همه است. متعلق به بعضی نیست؛ بعضی حق بیشتری از بعضی دیگری ندارند؛ متعلق به نسلی دون نسلی نیست؛ امروز متعلق به شما است؛ فردا متعلق به فرزندان شما، به نوه‌های شما به دودمان شما تا آخر؛ در همه جای سطح کره زمین این جوری است. خلقت زمین مال انسان‌ها است؛ متعلق به آنها است.» همچنین مقام معظم رهبری با اشاره به مسئولیت انسان در قبال طبیعت و نهی از هرگونه تخریب و نابودی محیط زیست می‌فرماید: «در آیه دیگر می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»؛ همه آنچه در زمین است و متعلق به زمین است، برای شما انسان‌ها آفریده شده؛ بنابراین چون مال خودتان است، به نفع شما است، متعلق به شما است، باید تخریبش نکنید» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷).

۲-۱. آیاتی که به عمران و آبادانی زمین اشاره دارد

«عمارت» در لغت ضد «تخریب» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۶) و به معنای تغییر زمین به گونه‌ای است که بتوان از فواید آن بهره‌مند شد و تعبیر «استعمر» به معنای طلب عمارت و آباد کردن زمین از دیگری است که زمین را به گونه‌ای درآورد که قابلیت بهره‌مندی از آن فراهم باشد. عمران، آبادانی و سرسبزی زمین و طبیعت از جمله مسئولیت‌های انسان است که خداوند در قرآن کریم بدان اشاره کرده و بندگان را به آن امر فرموده است: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ اوست خدایی که شما را از

زمین آفرید و آباد کردن زمین را به شما واگذار کرد (هود: ۶۱). به گفته مفسرین قرآن کریم مفاد آیه شریفه وجوب عمران و آبادانی زمین با کشت و زرع و کاشت درخت و احداث بناها می‌باشد؛ زیرا طلب مطلق از ناحیه خداوند دال بر وجوب است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۵۵). همچنین در این باره در نامه ۵۳ نهج البلاغه، امام علی (ع) یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی را عمران و آبادانی شهرها دانسته است: «وَعِمَارَةُ بِلَادِهَا» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۶).

مطابق این آیات و روایات، انسان و دولت اسلامی مسئولیت دارند به عمران و آبادانی زمین بپردازند و از ظرفیت‌های این مواهب الهی در حد مشروع خود استفاده کنند؛ مقام معظم رهبری: «در آیه دیگر می‌فرماید: «واستعمرکم فیها»، خداوند متعال که خالق این زمین و خالق شما است، شما را موظف کرده است که این زمین را آباد کنید؛ یعنی ظرفیت‌های موجود در این مجموعه کره ارضی را به فعلیت برسانید. خیلی از ظرفیت‌ها هست که ناشناخته است، بعد شناخته می‌شود و بعد اهمیت آنها و ارزش آنها فهمیده می‌شود» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷).

۳-۱. آیاتی که انسان‌ها را از فساد در زمین نهی می‌کند

از جمله آیاتی که به مسئولیت انسان نسبت به محیط زیست اشاره دارد، آیاتی است که انسان‌ها را از فساد در زمین نهی می‌کند: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵)؛ همچنین در آیه دیگر این چنین آمده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱).

مقصود از فساد در اینجا به گفته مفسران، هر چیزی است که نظام جاری زمین را از بین می‌برد؛ چه مستند به عمل انسان‌ها باشد و چه این چنین نباشد؛ به عبارتی فساد شامل هر پدیده‌ای است که در زندگی مطلوب آدمی اختلال ایجاد کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۱۹۵ و ۱۹۶). به گفته مفسرین بزرگ قرآن کریم، تخریب و نابودی طبیعت و محیط زیست (حرث و نسل) از قبیل نابودی زراعت و کشاورزی، قطع بی‌رویه درختان و جنگل‌ها، آلوده ساختن آب‌ها و دریاها و اقیانوس‌ها که توسط انسان‌ها صورت می‌پذیرد، همگی از مصادیق تخریب و نابود طبیعت و محیط زیست

می‌باشد و انسان در قبال این مواهب الهی دارای مسئولیت است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۷۴۴).

مقام معظم رهبری در این باره با بیان اینکه بر اساس منطبق قرآنی کسانی که به تخریب و نابودی محیط زیست می‌پردازند از لجوج‌ترین، خبیث‌ترین و سرسخت‌ترین دشمنان انسان‌ها هستند در این باره می‌فرماید: «آیه دیگر درباره «الَّذُ الْخِصَامِ» است؛ یعنی لجوج‌ترین، خبیث‌ترین، سرسخت‌ترین دشمنان که خصوصیات برایش ذکر می‌شود؛ یکی از خصوصیات این است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ حرث و نسل را از بین می‌برد، فاسد می‌کند، کشت را یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را نابود می‌کند و از بین می‌برد. امروز اگر شما نگاه کنید در سیاست‌های دنیا می‌توانید پیدا کنید کسانی را که همین کار را با بالفعل و با همه ملت‌ها و یا با بسیاری از ملت‌ها دارند انجام می‌دهند؛ اهلاک حرث و اهلاک نسل؛ این را خدای متعال فساد می‌داند و هم می‌فرماید: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۵).

۱-۴. آیاتی که به لزوم رعایت امانت اشاره می‌کند

خیانت در امانت از ردائل اخلاقی است؛ خیانت عبارت است از نقض عهد و تضييع امانت (شاهرودی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۵۵۹). در قرآن کریم بر امانت‌داری تأکید و خیانت در امانت را ناپسند شمرده و از آن نهی کرده است. در این باره خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ همانا خداوند دستور می‌دهد امانات به صاحبانش بازگردانده شود (نساء: ۵۸) و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ مومنان کسی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند (معارج: ۳۲) و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال: ۲۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر خیانت نکنید و در امانت خود خیانت روا ندارید در حالی متوجهید و می‌دانید.

خیانت در امانت در روایات نیز به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است؛ در این باره امام علی(ع) می‌فرماید: «کسی که امانت را خوار شمارد و دست به خیانت آلاید و

خویشتن و دینش را از آن منزّه نسازد درهای ذلت و رسوائی را در دنیا بروی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۸)؛ و از پیامبر اسلام (ص) نیز نقل شده است: «سه خصلت است که در هر کس باشد منافق است هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و گمان کند که مسلمان است: کسی که هر گاه امین شمرده شود خیانت ورزد، زمانی که سخن گوید، دروغ گوید چون وعده دهد، تخلف کند؛ خداوند در کتاب فرموده: خدا خیانت‌کاران را دوست ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۱).

بر اساس این آیات و روایات، فقها خیانت در امانت را حرام (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۷) و موجب تعزیر می‌دانند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰۴) و معتقدند خیانت موجب از بین رفتن عدالت و در نتیجه زوال اهلیت خیانت‌گر نسبت به اموری که آنها عدالت شرط است خواهد شد و شهادت خیانتکار پذیرفته نمی‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۲۵). همچنین به اعتقاد ایشان خیانت در امانت موجب ضمان است (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۳۲).

با توجه به اعتقاد اندیشمندان مسلمان، طبیعت و محیط زیست از امانات الهی در دست انسان است و انسان نباید با اعمال و رفتارهای خود و تخریب و نابودی طبیعت در آن خیانت کند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره معتقدند: «همه آنچه در زمین وجود دارد، برای شما انسانها آفریده شده است. البته مراد از انسانها، انسانهای یک نسل یا مجموعه خاصی از انسانها نیستند؛ بلکه همه انسانها در همه نسلها باید بدانند که امانتدارند و در ملکیت این موهبت و عطیه الهی که متعلق به همه نسلهای بشری است - چون هزاران سال دیگر، بشر در این کره خاکی زندگی خواهد کرد - سهیمند. بنابراین باید این موهبت را امانتدارانه حفظ کنند. کسی که طبیعت را تخریب می‌کند - به خصوص در آن جایی که ضایعات این تخریب، ماندگار یا احیاناً غیرقابل جبران است - باید بداند که به همه نسلهای بشری که بعداً از او خواهند آمد، خیانت کرده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۲). آیت الله جوادی ملی نیز در این باره چنین بیان فرموده است: «درباره استفاده از محیط زیست می‌توان این گونه استدلال کرد که طبیعت، امانتی است از طرف خدا در دست انسان که حق بهره‌وری از آن را دارد.

بنابراین نمی‌تواند جز در مسیری که مورد رضای خداست، از آن استفاده نماید» (جوادی آملی، بی‌تا، ۲۳۳ و ۲۳۴).

۱-۵. آیاتی که به نهی کفران نعمت اشاره دارد

واژه «شکر» در لغت به معنای نعمت و اظهار آن است و واژه کفر به معنای فراموشی نعمت و پوشاندن آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱). برخی دیگر معتقدند شکر، استعمال نعمت است در همان مصرفی که برای آن خلق و عطا شده و در نتیجه، کفران نعمت به معنای صرف نعمت در غیر مورد و محل آن است (امین، ۱۳۶۱، ج ۷، صص ۶۴ و ۶۵).

خداوند در آیات متعدد قرآن کریم، انسان‌ها را دعوت به شکر و ترغیب به ادای آن با امر به شکرگذاری و عدم کفران نعمت کرده است: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُون»؛ پس به یا من باشید تا به یاد شما باشم، و شکر مرا گوید و کفران نکنید (بقره: ۱۵۲) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزی حلال و پاکیزه‌ای که نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آرید اگر شما خالص خدا را می‌پرستید (بقره: ۱۷۲) و نیز خداوند می‌فرماید: «وَ اشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ»؛ نعمت‌های خدا را شکر گوید (نحل: ۱۱۴) همچنین در آیات دیگر با تقابل شکر با کفر به ضرورت شکرگذاری اشاره شده است: «وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ باز به خاطر آرید وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است (ابراهیم: ۷).

علاوه بر قرآن کریم در روایات متعدد نیز به مدح شکر نعمت خداوند و نکوهش کفران نعمت توسط انسان‌ها اشاره شده است؛ برای نمونه امام صادق(ع) می‌فرماید: «خداوند عزوجل هنگامی که نعمت‌هایی را به جمعیتی ارزانی می‌دارد، ولی شکر آن را به جا نمی‌آورند، نعمت‌ها وبال گردن آنها می‌شود و تبدیل به نعمت می‌گردد و جمعیتی را مبتلا به مشکلات و گرفتاری‌هایی می‌کند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۷۷). امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «لا إيمان لمن لا أمانة له»؛ کسی که امانتداری نداشته باشد، ایمان

ندارد (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۱، ص ۲۵۲). امام سجاده (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِادَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ ابْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَتَمَّنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لِأَدِينَتِهِ إِلَيْهِ»؛ به شما باد به اداء امانت، سوگند به آن کس که محمد صلی الله علیه وآله را به حق پیامبر خویش قرار داد، اگر قاتل پدرم حسین علیه السلام شمشیری را که با آن پدرم را شهید کرد نزد من امانت می‌سپرد (و من امانت او را قبول می‌کردم) در امانتش خیانت نمی‌نمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۳۳).

مسلمان یکی از نعمات الهی که شکر آن واجب است، نعمت داشتن محیط زیست سالم و طبیعت دل‌انگیز و سالم است و بهترین شکرگذاری انسان، تعامل صحیح و منطقی با محیط زیست است؛ در این باره آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «همه آنچه که در طبیعت و روی زمین وجود دارد، نعمت‌های خداست که به بشر داده شده است و انسان وظیفه دارد که در قبال آنها خدا را شکر کند. اگر نعمت خداوند شکرگذاری شد، افزایش پیدا خواهد کرد. این شکرگذاری، همان تعامل درست و منطقی با طبیعت است. اگر کسی با پدیده‌های طبیعت تعامل صحیح و منطقی داشته باشد، طبیعت خودش را در اختیار او می‌گذارد؛ یعنی طبیعت ضربه نمی‌خورد و افزایش پیدا می‌کند. نقطه مقابل این است: «و لئن كفرتم ان عذابى لشديد» اگر نعمت‌های الهی کفران شود، پشت سر آن، عقوبت الهی است. کفران نعمت‌های طبیعت چیست؟ عبارت است از تخریب، ضایع کردن، درست نشناختن و یا درست به کار نبردن آنها. اگر این کفران اتفاق افتاد، به دنبال عقوبت الهی خواهد بود. عقوبت الهی چیست؟ همین چیزی است که امروز نشانه‌هایی از آن را مشاهده می‌کنیم: بیماری‌ها، نابسامانی‌ها، کمبودها و مشکلاتی که بر بخش‌های عظیمی از آحاد بشر تحمیل می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

در جای دیگر ایشان چنین می‌فرماید: «نکته دیگری که باید مورد توجه باشد این است که به جای آوردن شکر نعمت‌های الهی به استفاده درست از آنهاست. استفاده نادرست کردن از نعمات، کفران آنها و خراب کردن آنها محسوب می‌شود. خداوند طبیعتی زیبا، سواحل لذت‌بخش و هوایی مطبوع به ما بخشیده است. چرا باید برخی این نعمات را با آلودگی‌های گوناگون کفران کنیم؟ نکته بعدی هم آن است که بسیاری

از این زباله‌ها قابل استفاده مجدد است و این گونه دور انداختن آنها خودش یک نحوه دیگر کفران نعمت است. به هر حال این مواد را می‌شود بازیافت نمود. خوب است که افراد این زباله‌ها را به صورت جداگانه کنار بگذارند تا بازیافت شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

۲. سنت

در روایات متعدد به ضرورت حفاظت از محیط زیست و مسئولیت سنگین انسان در برابر طبیعت و محیط زیست تأکید شده است؛ روایات متعددی در این باره وجود دارد که در این قسمت بدان می‌پردازیم:

۲-۱. روایاتی که اشاره به داشتن هوای پاک و سالم دارد

در روایات متعددی به اهمیت داشتن هوای سالم و پاک اشاره شده است؛ برای نمونه امام صادق(ع) می‌فرماید: «لاتطیب السکنی الا بثلاث، الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الارض الخواره»؛ زندگی گوارا نمی‌شود مگر آنکه انسان از سه نعمت بهره‌مند شود: هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۰). در روایت دیگر از امام کاظم(ع) در اهمیت هوای پاک و سالم و عاری از هر گونه آلودگی چنین نقل شده است: «طبیعت جسم بر چهار پایه استوار شده است. یکی از آنها هواست که آدمی بدون آن زنده نمی‌ماند و بیماری‌ها و عفونت درون بدن را بیرون می‌آورد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳۰).

اهمیت هوای سالم و پاک در روایات به حدی است که القای سم در بلاد مشرکین زمان جنگ نهی شده است: در این باره از رسول خدا چنین نقل شده است: «ان النبی نهی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۳). فقهای امامیه بر اساس این روایت معتقدند القای سم در سرزمین مشرکان حین جنگ حرام است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۸). همچنین در روایات به منظور جلوگیری از پراکندن بوی بد و آزاردهنده در هوا حتی از افرادی که بوی آزاردهنده داشته باشند در اجتماع و مسجد نهی نموده است: «مَنْ أَكَلَ شَيْئاً مِنَ الْمُؤَذِّيَاتِ رِيحُهَا فَلَا يَقْرَبَنَّ الْمَسْجِدَ»؛ هر کس

چیزی بخورد که بوی آزاردهنده‌ای داشته باشد به مسجد نزدیک نشود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۵۵).

مطابق این روایات، فقها هر گونه آلوده ساختن هوا که ضرر زیادی را به دیگران می‌رساند و برای سلامت آنها مضر است را جایز نمی‌دانند و در مواردی حتی حرام می‌دانند. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اصل بر این است که ما به دیگران ضرر نزنیم؛ اگر وسیله نقلیه شخصی باعث شود هوا آلوده شده و ضرر قابل توجهی به مردم برسد، این کار حرام است. به طور کلی اگر ضرورتی برای استفاده از وسیله نقلیه شخصی وجود ندارد و آلودگی به حدی است که به سلامت مردم ضرر می‌زند، این کار جایز نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹).

۲-۲. روایاتی که انسان را از آلوده کردن آب‌ها نهی می‌کند

روایات متعددی، انسان را از آلوده ساختن آب‌ها نهی کرده است؛ برای نمونه در این باره امام علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا يُبُولَنَّ فِي مَاءٍ جَارٍ - فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ - فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ - فَإِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا»؛ هرگز کسی از شما در آب روان ادرار نکند که اگر آسیبی به وی رسید، کسی جز خودش را سرزنش نکند، چرا که آب ساکنانی دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵۳). امام سجاد (ع) در این باره فرمود: «اتَّقِ شُطُوطَ الْأَنْهَارِ»؛ [از آلودن] سواحل رودها بپرهیزید (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳). همچنین رسول خدا (ص) از بول و غائط کردن در آب راکد، در نهر آب و کنار نهر و کنار چاه آب و... نهی کرده و آن را جفا و ستم محسوب دانسته است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱). و نیز در این باره از امام صادق (ع) روایت شده است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُتَعَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بَيْتِ مَاءٍ يُسْتَعَذَّبُ مِنْهَا أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعَذَّبُ»؛ رسول خدا از اینکه کسی در لب چاه یا رودی که از آن آب می‌نوشند، قضای حاجت کند، نهی نمود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۳).

با استناد به این روایات فقهای امامیه هر گونه آلوده ساختن آب‌ها مانند ادرار در آب‌ها و غائط کردن در نهرها و کنار آن و در مجرای آب و آب راکد را جایز نمی‌دانند برای نمونه شیخ مفید در المقنعه (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۷) و شیخ طوسی نیز در نهایه (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰) چنین دیدگاهی دارد؛ سلار در «مراسم»، نیز آن را جایز

نمی‌داند (سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۴). برخی فقها نیز قائل به حرام بودن قضای حاجت در آب‌ها و آلوده ساختن دریاها و رودخانه‌ها شده‌اند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۴؛ شیرازی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۷) و برخی دیگر نیز قائل به کراهت شده‌اند (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۵). در بین فقهای معاصر نیز مقام معظم رهبری قائل به حرمت آلوده ساختن آب‌ها و دریا بوده و در پاسخ به این سوال که: ریختن زباله و پسماندهای مواد شیمیایی و نفتی به دریا اشکال دارد؟ می‌فرمایند: «اگر کاری انجام بدهیم که آرامش محیط زیست دیگران برهم بخورد یا حتی شرایط زیستی حیوانات و گیاهان بی‌جهت دچار مشکل بشود و آنها آزار ببینند، این کار جایز نیست. مخصوصاً این مساله درباره دریاها که محیط زندگی بسیاری از موجودات و مخلوقات الهی است صدق می‌کند، آبزیان امروزه یکی از منابع مهم تأمین مواد غذایی انسان‌ها هستند و بنابراین این اگر به دریاها لطمه‌ای وارد شود که همچنین به آبزیان هم لطمه بزند، این کار حرام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۱۰۹ و ۱۱۰).

۳-۲. روایاتی که به درختکاری و نهی از قطع درختان اشاره دارد

در روایات متعدد هر گونه کاشت درخت و زراعت و سرسبزی مورد تأکید واقع شده و برعکس قطع درختان و جنگل‌ها مورد نهی شدید قرار گرفته است. برای نمونه در این باره از رسول خدا(ص) نقل شده است: «هر کس درختی را بکارد و آن درخت به ثمر نشیند، خداوند به اندازه ثمره آن درخت به او اجر عطا می‌کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۶۰). همچنین از ایشان نقل شده است: «اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی از نخل بود، اگر می‌توانید آن را بکارید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۶۰). پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) همواره مسلمانان را از نابودی درختان برحذر داشته و آنان را به حفظ و حفاظت از درختان تشویق می‌کردند. در این باره از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است: «درختان مثمر را قطع نکنید که خداوند عذابی بر شما می‌آورد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۹). امام صادق(ع) نیز در این باره فرموده است: «لَا تَقَطُّعُوا الشَّجَرَ فَيَصَّبَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ صَبًّا»؛ قطع بی‌رویه درختان میوه‌دار

عذاب سخت الهی را در پی دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۹). در روایت دیگری از پیامبر اسلام چنین آمده است: «مَنْ قَطَعَ سِدْرَةَ صَوَّبَ اللَّهُ رَأْسَهُ فِي النَّارِ»؛ هر کس درخت سدر را قطع کند، خداوند با سر او را در آتش جهنم خواهد انداخت» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۳، ص ۱۱۳).

نکوهش قطع درختان در روایات به اندازه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است که طبق روایات مسلمانان حتی در جنگ‌ها اجازه قطع درختان را نداشته‌اند؛ در این باره نقل شده است: وقتی پیامبر گروهی را برای جنگ می‌فرستاد، چنین سفارش می‌کرد: «نخلی را نسوزانید و در آب غرق نکنید. درخت باروری را قطع نکنید، زراعتی را نسوزانید؛ زیرا نمی‌دانید شاید به آنها نیازمند شدید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹). طبق روایات دیگر رسول خدا(ص) به رزمندگان اسلام چنین می‌فرمود: «از کشتن زنان، کودکان و پیرمردان بپرهیزید و به هیچ وجه درختان به ویژه درخت خرما را قطع نکنید» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱، ص ۶۰). در این روایت حضرت بی‌هیچ قید و شرطی قطع درختان را در میدان نبرد ممنوع کرده و در روایت دیگری، تنها در صورت ضرورت آن را مجاز دانسته است: «لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا»؛ مبادا به کشتن زنان، پیران و کودکان دست یازید. از قطع درختان بپرهیزید، مگر آن که ضرورتی در میان باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۷). در توصیه دیگری پیامبر خدا از به آتش کشیدن مرزعه‌ها و نابودی درختان به شدت نهی فرموده است: «لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُغْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا»؛ درختان را آتش نزنید، آنها را با آب ویران نکنید، درختان میوه‌دار را قطع نکنید، مرزعه‌ها را نسوزانید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹).

بر اساس این روایات فقیهان امامیه قائل در شرایط غیر اضطراری، قائل به حرمت قطع درختان در جنگ شده (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۹۹) و برخی دیگر نیز فتوا به کراهت قطع درختان داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۹؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱). در این باره مقام معظم رهبری قطع هرگونه درخت که متعلق به مردم باشد، را حرام می‌دانند. ایشان در پاسخ به این سوال که: شکستن شاخه

درختان چه حکمی دارد؟ می‌فرماید: «بی‌جهت نباید شاخه درختان را شکست. اگر این درخت متعلق به مردم یا مثلاً اموال بیت‌المال است، این کار حرام است. اگر هم باغ شخصی ما است، گاهی اوقات شکستن یک شاخه درخت، اسراف یا از بین رفتن بی‌جهت اموال است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۱۱۳ و ۱۱۴).

۲-۴. روایاتی که اشاره به رعایت پاکیزگی اماکن عمومی و راه‌ها دارد

رعایت پاکیزگی اماکن عمومی، راه‌ها و معابر در سنت و سیره معصومین (ع) از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این باره رسول خدا می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَغَوِّطَ فِي ظِلِّ النَّوْءِ وَالْمَانِعِ الْمَاءِ الْمُتَنَابِ وَالسَّادِّ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ»؛ خداوند لعنت کند کسی که مکان عمومی، سایه‌بان‌ها، پارک‌ها، محل نزول مسافران را آلوده کند؛ کسی که آب نوبه‌ای را به غصب ببرد. یعنی رعایت نوبت حقوق شهروندان را نکند؛ کسی که سد معبر کند و مانع عبور عابران شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۵) و نیز روایت شده است: «لَا تُبَلُّ عَلَى الْمَحْجَةِ وَلَا تَتَغَوِّطُ عَلَيْهَا»؛ بر گذرگاه ادرار و غائط نکن (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲۸). همچنین در روایت دیگر از پیامبر اسلام چنین نقل شده است: «مَنْ أَمَاطَ عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا بَعْشَرُ حَسَنَاتٍ الْخَيْرِ»؛ هرکس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث آزار رهگذر است برطرف کند، خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در دیوان عمل او ثبت می‌کند که ثواب قرائت هر حرف ده حسنه است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۸۵) و در روایت نقل شده، امام سجاده (ع)، اگر کلوخی را در معبر می‌دیدند، از مرکب پیاده می‌شدند و آن را از راه دور می‌کردند که مزاحم رهگذر نشود (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۸۵).

مقام معظم رهبری در این باره با اشاره به حرام بودن ریختن زباله در اماکن عمومی مثل خیابان‌ها، کنار جاده‌ها و سواحل رودخانه‌ها می‌فرماید: «این کارها (ریختن زباله‌ها در خیابان، کنار جاده‌ها و ساحل رودخانه‌ها) محیط زیست را خراب و چهره یک کشور اسلامی را مخدوش می‌کند. دیگران وقتی می‌آیند و این وضعیت را می‌بینند می‌گویند که این فرهنگ مسلمانان است در حالی که فرهنگ اسلامی، فرهنگ تمیزی،

پاکیزگی و نظافت است. ثانیاً در برخی موارد این کار ما فارغ از اینکه چهره کشور را زشت می‌کند، به محیط زیست نیز ضربه می‌زند؛ افراد باید از این کارها که در بسیاری از موارد حرام هم هست پرهیز کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۱۹) و در جای دیگر در پاسخ به این سوال که: «آیا ریختن پوست میوه و زباله‌های تجزیه شونده در کوه و دشت طبیعت اشکال دارد؟ چنین پاسخ می‌هند: اگر این کار به اراضی یا به طبیعت یا به محیط زیست یا به سلامت مردم لطمه بزند، حرام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸).

۲-۵. روایاتی که از کشتن حیوانات نهی می‌کند

در روایات متعدد رسیده از ائمه معصومین (ع)، از هر گونه آزار و اذیت حیوانات به خصوص کشتن و از بین بردن آنان نهی شدید به عمل آمده است؛ برای نمونه در این باره در روایات آمده است: «هرکس گنجشکی را بیهوده بکشد، آن گنجشک، روز قیامت در اطراف عرش الهی، ناله سر می‌دهد و می‌گوید: پروردگارا از قاتلم پیرس برای چه بدون آنکه منفعتی به حال وی داشته باشم، مرا کشت» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۰۳) و در روایتی از امام رضا (ع) درباره برخی از انواع گنجشک که در زبان عربی به آن «قنبره» می‌گویند، چنین آمده است: «قنبره را نکشید و گوشت آن را نخورید، چون او بسیار تسبیح خدا می‌گوید و در پایان تسبیح خود می‌گوید: لعنت خدا بر کسانی که بغض آل محمد را در دل دارند» (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۱۷).

درباره حقوق حیوانات نیز از امام علی (ع) نقل شده است: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَبْدَأُ بَعْلَفِهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَسِمُهَا وَلَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَ يُعْرَضُ عَلَيْهَا الْمَاءُ إِذَا مَرَّ بِهِ»؛ چهارپا، شش حق بر صاحب خود دارد: اول بیش از توان چهارپا بر آن بار نگذارد. دوم از پشت چهارپا به مثابه محلی برای نشستن و گفتگو استفاده نکند. سوم علوفه آن را همواره به هنگام دهد. چهارم و پنجم به چهره آن داغ و ضربه نزند؛ زیرا چهارپا خدا را ستایش می‌کند. ششم به هنگام عبور از کنار آب اجازه دهد که آب بیاشامد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۳۷).

همچنین در روایات درباره شکار به قصد لُهو و تفریح و در غیر نیازمندی نهی به عمل آمده است؛ در این باره از امام صادق(ع) روایت شده است: «هفت کس هستند که نماز را کوتاه نمی‌کنند و تمام می‌گذارند: اول عامل زکات که برای جمع کردن زکات در حوزه مأموریت خود می‌گردد، دوم امیری که در ناحیه امارت خود به گشت می‌پردازد تا از احوال مردم مطلع شود، سوم تاجری که جهت انجام امور تجاری خود از بازار شهری به بازاری دیگر می‌رود، چهارم چوپان که به مقتضای حرفه خود بدنبال گوسفندان راه می‌پیماید، پنجم صحرانشینان که با توجه به وضع آب و هوا پیوسته کوچ می‌کنند، ششم: کسی که پی آبگیرها و زمین‌های سبز می‌گردد تا حیوانات خود را بچراند، هفتم: کسی که برای تفریح پی شکار حیوانات می‌رود و نیازی به آن ندارد که بدان وسیله قوت خود را فراهم کند، و نیز راهزنان مسلح» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۴۱). فقها با استناد به این روایت، هر گونه صید و شکار حیواناتی که به قصد لُهو و تفریح انجام شود، حرام بود و سفر برای این قبیل کارها نیز سفر حرام محسوب شده و نماز باید کامل خوانده شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۹۳؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲۲).

می‌توان گفت از مجموع این روایات و سیره ائمه معصومین(ع) و دیدگاه‌های فقها می‌توان یک قانون و حکم کلی استنباط کرد که نباید حیوانات را مورد اذیت و آزار قرار داد؛ در این باره مقام معظم رهبری می‌فرماید: «یک قانون و حکم کلی این است که حیواناتی که اذیت نمی‌کنند و آزاری نمی‌رسانند را آزار نرسانید؛ اما این حکم کلی استثنا هم دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲). همچنین مقام معظم رهبری در حمایت از حقوق حیوانات با اشاره به اینکه اگر کسی حیوانی را که شکار کردنش ممنوع است به قصد تفریح شکار نماید، از نظر شرعی مالک آن نمی‌شود و غاصب است معتقدند: «وقتی کسی حیوانی را که شکار کردنش ممنوع است شکار کرد اصلاً مالک آن نمی‌شود؛ اگر چه طبق یک حکم شرعی هر کس حیوان‌های آزاد را شکار کرد و گرفت مالکشان می‌شود، اما قانون کشور و نظام اسلامی فوق این حکم است؛ یعنی اگر قانون کشور و نظام اسلامی بود که شکار یک نوع حیوان ممنوع است، در صورتی که کسی آن حیوان را شکار کند غاصب است و از گوشت آن حیوان نمی‌تواند استفاده کند و

مالک آن گوشت نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱) و در جای دیگر ایشان می‌فرماید: «این حیواناتی که در بیابان‌ها هستند و مال بشرند، مال نیازهای بشرند، مال تفریح نیستند، اینهایی که می‌روند شکار به عنوان تفریح برای خوشگذرانی می‌زنند... کسی که می‌رود این را شکار می‌کند از روی تفنن، تفریح، بدون احتیاج، بدون نیاز این افراط می‌کند. این خراب می‌کند، به علاوه که بعضی از این حیوانات نسلشان، نسل منحصر و بسیار ارزشمندی است و از این قبیل» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۱۸ و ۱۹).

۳. عقل

بنا به دلیل عقل هر گونه اقدام انسان که موجب برهم خوردن توازن و تعادل طبیعت و آنچه در آن زیست می‌کند شود و موجب اختلال در نظام زندگی بشر گردد، قبیح و حرام است و در مقابل انسان در جهت حفظ و حمایت از موجودات و محیط زیست و جانداران آن برای زیست بهتر آنها که موجب حفظ نظام طبیعی جهان و بقای نوع گونه‌های مختلف و محیط زیست می‌شود مسئولیت دارد. از این رو مسلماً بر هم خوردن نظم موجود در طبیعت به سبب افراط و تفریط یا اتلاف و تخریب و از بین رفتن مواهبی که خداوند جهت استفاده انسان در طبیعت به ودیعه نهاده است آسیب‌های جدی به انسان وارد خواهد کرد و عقل سلیم حکم می‌کند که انسان باید در نحوه تعامل صحیح خود با طبیعت احساس مسئولیت کرده و تلاش نماید تا به این موهبت و نعمت الهی آسیب وارد نگردد.

۴. اجماع

فقه‌های امامیه اجماع دارند هر گونه ضرر، آسیب و تخریب به طبیعت و محیط زیست که موجب می‌شود حیات و سلامت انسان‌ها به خطر بیفتد و به آنان ضرر و آسیب جبران ناپذیری وارد شود عملی حرام است و باید با تعامل صحیح انسان با طبیعت و محیط زیست از این قبیل مسائل پیشگیری به عمل آید.

۵. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از جمله قواعد فقهی است که می‌توان در اثبات مسئولیت انسان در حفاظت از محیط زیست بدان استدلال کرد؛ از جمله ادله این قاعده قرآن کریم است؛

در آیات متعدد قرآن کریم به این قاعده اشاره شده است: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ»؛ هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند (بقره: ۲۳۳). «وَلَا تُمَسِّكُونَهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا»؛ یعنی نگاه ندارید آن زنان را تا تعدی کنید (بقره: ۲۳۱). در آیات دیگر (نساء: ۱۲؛ بقره: ۲۸۲) به این بحث ضرر و ضرار اشاره شده است. در روایات متعدد نیز به این مساله اشاره شده است که از میان روایات، روایت سمره بن جندب از شهرت بیشتری برخوردار است. درباره این روایت فقها دیدگاه‌های مختلفی را بیان کرده‌اند؛ شیخ انصاری قائل به نفی حکم ضرر، آخوند خراسانی قائل به نفی حکم به لسان نفی موضوع، فاضل تونی قائل به نفی ضرر غیر متدارک، شریعت اصفهانی قائل به نفی به معنای نفی و امام خمینی (ره) قائل به حکومتی بودن لای ناهیه در روایت شده‌اند.

قاعده لاضرر از قواعدی است که بر هر گونه احکام شرعی حاکم است و بدین خاصیت است که فقه شیعه همیشه زنده و پویا مانده است. در این باره شهید مطهری می‌گوید: «یکی دیگر از جهاتی که به این دین، خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و زنده و جاوید نگه می‌دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد حاکمه می‌نامند مانند قاعده لاجرح و قاعده لاضرر که بر سراسر فقه حکومت می‌کند. کار این سلسله قواعد کنترل و تعدیل قواعد دیگر است در حقیقت اسلام برای این قاعده‌ها نسبت به سایر قوانین و مقررات حق و تو قائل شده است» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ص ۱۲۲). این قاعده در مباحث محیط زیست نیز دارای کاربردهای فراوانی است؛ به طوری که قطع درختان و تخریب جنگل‌ها که سبب پدید آوردن سیل‌های ویرانگر و زیان‌بار می‌شود یا آلوده کردن خاک‌ها و نیز فرسایش آنها یا احداث کارخانه بزرگ که دود و گازهای متصاعد از آن برای همه مردم شهر زیان‌آفرین باشد یا استفاده از وسایل نقلیه‌ای که هوا را آلوده می‌کند یا رها کردن فاضلاب کارخانه به رودخانه‌ها یا آلوده کردن دریاچه‌ها و مسائلی از این دست که سبب وارد کردن ضرر به منابع طبیعی و محیط زیست می‌شود، بر پایه این قاعده مهم فقهی جایز نبوده و بدیهی است هر

مقدار این زیان‌رسانی بیشتر و در تخریب محیط زیست مؤثرتر باشد، مشمول این قاعده خواهد بود.

آیت الله خامنه‌ای در موارد متعدد در حفاظت از محیط زیست و مسئولیت انسان در قبال آن به این قاعده فقهی استناد کرده‌اند؛ در این باره ایشان می‌فرماید: «به طور کلی آلوده کردن این هوای صافی که خداوند برای تنفس افراد، گیاهان و حیوانات قرار داده است، کار شایسته نیست. اما از نظر شرعی اگر واقعا آلاینده‌گی یک خودرو بیش از حد مجاز است که قانونا ممنوع است استفاده از آن اشکال دارد. البته حتی اگر قانون هم منع نکرده باشد ولی صاحب خودرو تشخیص می‌دهد که آلاینده‌گی این خودرو ضرر زیادی به دیگران می‌زند و واقعا برای سلامت دیگران مضر است، باز هم استفاده از این خودرو جایز نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸). همچنین مقام معظم رهبری با استناد به قاعده لاضرر در پاسخ به این سوال: «استفاده نکردن مراکز صنعتی از فیلترهای هوای مناسب در خروجی پسماندهایشان به بهانه گران‌قیمت بودن آنها که موجب آلودگی هوا و آسیب رساندن به سلامت مردم می‌شود، چه حکمی دارد؟» می‌فرماید: «اگر طبق قانون، نصب فیلتر الزامی است، تخلف از آن جایز نیست. البته حتی اگر این مساله در قانون هم ذکر نشده باشد و کارخانه‌ای هوا را آلوده بکند و مردم به خاطر این مساله در ناراحتی و مشقت باشند یا در ناراحتی هم نباشند اما به خاطر تنفس این هوا، ضرر قابل توجهی متوجه آنان شود، این کار خلاف شرع است و کسی که با توجه این کار را انجام بدهد مرتکب حرام شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷ و ۱۰۸).

۶. قاعده مصلحت

واژه مصلحت از ماده «صلح» به معنای نیکی، منفعت و ضد فساد است. خلیل بن احمد فراهیدی در العین می‌نویسد: «صلاح نقیض فساد است و در زبان تازی می‌گویند «اصلحت‌الدابة» یعنی در حق چارپا نیکی کردم» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۰۰۱). بسیاری از لغت‌شناسان تازی نیز مصلحت را به معنای نیکی، صلاح و ضد فساد دانسته‌اند (شرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۶۵۶). واژه مصلحت در اصطلاح در سه حوزه به کار می‌رود که بین آنها ارتباط تنگاتنگی برقرار است؛ لکن در خصوصیات از هم

متمایزند: ۱. مصلحت به مثابه منشأ صدور احکام الهی؛ ۲. مصلحت به مثابه منبعی برای استنباط احکام الهی؛ ۳. مصلحت به مثابه مبنا و ضابطه احکام حکومتی.

بی شک حفاظت از طبیعت و محیط زیست و نیز جامع نگری و آینده بینی در ردیف مهمترین مصلحت هایی است که نه تنها می باید همواره نصب العین رهبران جامعه اسلامی باشد، بلکه اهمیت آن به اندازه ای است که بسیاری از مصالح دیگر را می توان فدای آن کرد؛ و از جمله مصادیق مهم مصلحت، محیط زیست سالم و داشتن محیط سرسبز، خرم و پوشیده از درختان است تا هوای شهرها را از هر گونه آلودگی حفظ کرده و مانع از بروز بیماری ها و زیان و ضررهای ناشی از اثرات ناشی از آلودگی شود. در این باره حضرت آیت الله خامنه ای با خلاف مصلحت دانستن هرگونه قطع درختان و جنگل ها می فرماید: «گیاه و درخت، مایه ی برکت زندگی بشر است؛ منتها ما باید قدر اینها را بدانیم؛ اینکه مثلاً بنده یک نهال اینجا غرس کنم و مثلاً چند هزار نهال غرس بشود، [اما] از آن طرف به جنگل های ما تهاجم بشود یا به باغ های قدیمی ما تهاجم بشود، این خلاف مصلحت است» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸).

۷. قاعده اهم و مهم

مفاد قاعده اهم و مهم آن است که زندگی اجتماعی انسان خواه ناخواه در مواجهه با منافع و مضار دستخوش تحولاتی می شود و انسان در مواجهه با این منافع و مضار لازم است آنها را اولویت بندی کرده و آن طرفی که از اهمیت بیشتری برخوردار است بر طرف دیگر مقدم دارد و این امر از حکم عقل نشأت می گیرد.

در روایت های متعددی نقل شده است که ائمه معصومین (ع) در تزامن دو مصلحت، بر امتثال مورد اهم تأکید کرده اند؛ مثلاً در روایت آمده است که هرگاه واجب و مستحبی جمع شد، واجب را آغاز کنید (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰۹) و هرگاه نافله ها و مستحبات به واجبات ضرر رساند، مستحبات را کنار بگذارید (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۲) و امام صادق (ع) می فرماید: «عاقل کسی نیست که تنها خوبی و بدی را شناسد؛ بلکه عاقل آن است که بهترین دو بد را بشناسد» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۷۵،

ص ۶). همچنین عقل سلیم در زمانی که انسان میان دو عمل مخیر گردد و قدرت انجام هر دو و جمع میان آنها را نداشته باشد، حکم قاطع و روشنی دارد که باید جانب اهم را گرفت و از مفسده پیش‌تر اجتناب ورزید (نائینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۲).

از مسائل اهم که در آیات و روایات و دیدگاه‌های فقها بدان تأکید شده است، حفاظت از محیط زیست و مسئولیت داشتن انسان در برابر آن است، از این رو بر حکومت اسلامی لازم است، از آنجا که حفظ محیط زیست ارتباط مستقیم با حیات انسان‌ها و حفظ جان آنها دارد و باعث جلوگیری از آسیب و ضرر و زیان به مردم می‌شود، در وضع قوانین، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های حکومت بدان عنایت ویژه شود و در اولویت قرار گیرد. در این باره آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «برای ما مسأله محیط زیست و حفظ منابع طبیعی، مسأله‌ای تجملاتی و درجه دو نیست، یک مسأله حیاتی است؛ در تلاش ما برای توسعه کشور اولویت باید در این بخش باشد. تکیه هم باید روی این بخش باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۲۳).

همچنین ایشان با اهم دانستن توجه به فرهنگ سازی در حفاظت از محیط زیست می‌فرماید: «و شاید از جهتی از همه مهمتر، فرهنگ‌سازی است؛ فرهنگ‌سازی؛ مردم بدانند که اهمیت حفظ محیط زیست چقدر است. این را دبستان باید شروع کنیم، در کتاب‌های درسی؛ باید بچه‌های ما اهمیت مرتع و جنگل و هوا و آب و خاک و دریا و مانند اینها را از کودکی بفهمند و روی آن حساس باشند، حفظ حریم محیط زیست باید جزئی از فرهنگ عمومی بشود. البته نقش رسانه ملی را هم نباید نادیده گرفت، بایستی رسانه ملی نقش ایفا کند اما مردم هم می‌توانند کار کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۸۳).

نتیجه‌گیری

احساس مسئولیت انسان نسبت به طبیعت و محیط زیست و نیز تعامل صحیح و منطقی انسان با این موهبت الهی در اسلام از اهمیت و ارزش فراوانی برخوردار است و به گفته آیت الله خامنه‌ای می‌توان جامع‌ترین، صحیح‌ترین و منطقی‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست را در اسلام مشاهده کرد تا با تصحیح رفتار انسان‌ها در قبال محیط زیست، دیگر شاهد نابودی و تخریب محیط زیست نباشیم.

فقه‌های امامیه درباره مسئولیت انسان‌ها در قبال حفاظت از طبیعت و محیط زیست با رویکردی امانت گونه نسبت به محیط زیست نگریسته و هر گونه خیانت، فساد و تخریب طبیعت را مورد نکوهش قرار داده‌اند و معتقدند وظیفه انسان در قبال حفظ و برخورداری از محیط زیست سالم برای همه نسل‌هاست لذا هر گونه تخریب و نابودی و آلوده کردن محیط زیست عملی حرام و تضييع حقوق نسل‌های آینده در استفاده از این موهبت الهی می‌باشد. همچنین فقها معتقدند با توجه به اینکه حفظ محیط زیست به صورت مستقیم و غیرمستقیم با حیات انسان‌ها و سایر موجودات زنده ارتباط مستقیم دارد و باعث می‌شود از آسیب و ضرر و زیان رسیدن به آنها جلوگیری شود، باید این مساله توسط حکومت مورد توجه جدی قرار گرفته و در وضع قوانین، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های حکومت بدان عنایت ویژه شود و در اولویت قرار گیرد و نباید رویکردی تجملاتی و غیرواقعی نسبت بدان داشت.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، *المهذب*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اصفهانی، راغب (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان: دارالعلم.

امین، نصرت (۱۳۶۱)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.

جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت وفقا لمذهب اهل بیت(ع)*، بیروت: دارالتقلین.

جوادی آملی، عبدالله (بی تا)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: مرکز نشر اسراء.

حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل‌البیت(ع).

حلبی، ابوصلاح (۱۴۰۳ق)، *کافی فی الفقه*، اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین(ع).

حلی، ابن‌ادریس (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵)، *نهضت حفظ محیط زیست*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ق)، *المراسم*، قم: منشورات الحرمین.

- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: موسسه نهج البلاغه.
- شرتونی، سعید (۱۹۹۲م)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، بیروت: مکتبه لبنان.
- شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۲۰ق)، فقه البیئه، بیروت: الوعی الاسلامی.
- صدوق، قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایه، بیروت: دارالکتب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: مکتبه صدوق.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق)، تهذیب الاحکام، تهران: مکتبه صدوق.
- عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶ق)، مسند الامام رضا علیه السلام، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع).
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل‌البیت(ع).
- فاضل مقداد (۱۴۲۵ق)، کنزالعرفان، قم: انتشارات مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، کتاب العین، قم: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بیروت: دارصعب و دارالتعارف.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶ق)، بحارالانوار، چاپ اول، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام، قم: موسسه اسماعیلیان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعه، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۸)، تنبیه الأئمّه و تنزیه المله، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۵)، فرهنگ فقه، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.